

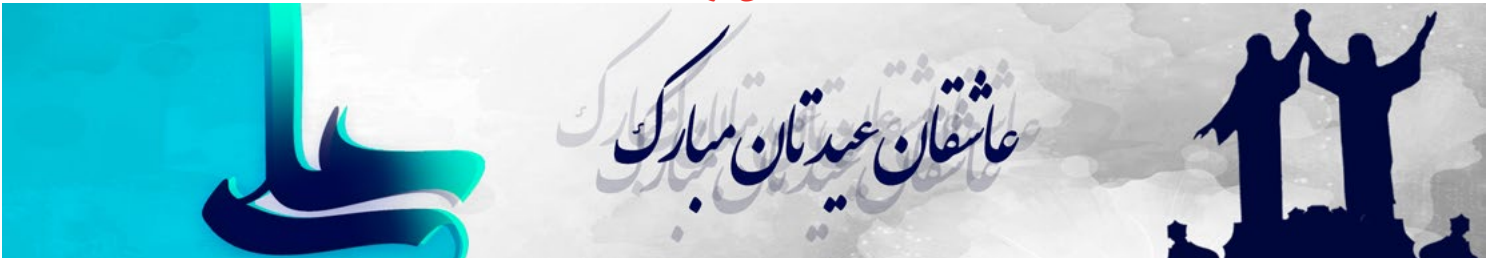


مهربان

شماره ۲۱



سخن اول



زین سبب پیغمبر با اجتهاد
گفت هر کس را منم مولا و دوست
غدیر عید است برای آنانکه متصل به پیوند لن فصام لهای ولایتند دل قوی
دارند چراکه آزاد می شوند از تاریکی و جهل از دروغ نار تا حقیقت نور.
کیست مولا آن که آزادت کند
چون به آزادی نبوت هادی است
ای گروه مومنان شادی کنید
برای این گروه هر روز عید است بلکه هر لحظه حال شادی و شکر از این
نعمت بزرگ الهی را دارند.
ولی برای آنان که ولایت را در تاریخ و واژه خلاصه کردند روز سرخ دیگرست
در تقویم روی میز . و بدتر آنان که نایافته را یافته انگاشتند و با این کار نور
امید یافتن را هم کور کردند به جهلی تاریک ره سپردند.
یافتن گم کردنی می‌خواهد اما چاره نیست
کاش گم کرده، چه سازم گم شدن گم کرده‌ام

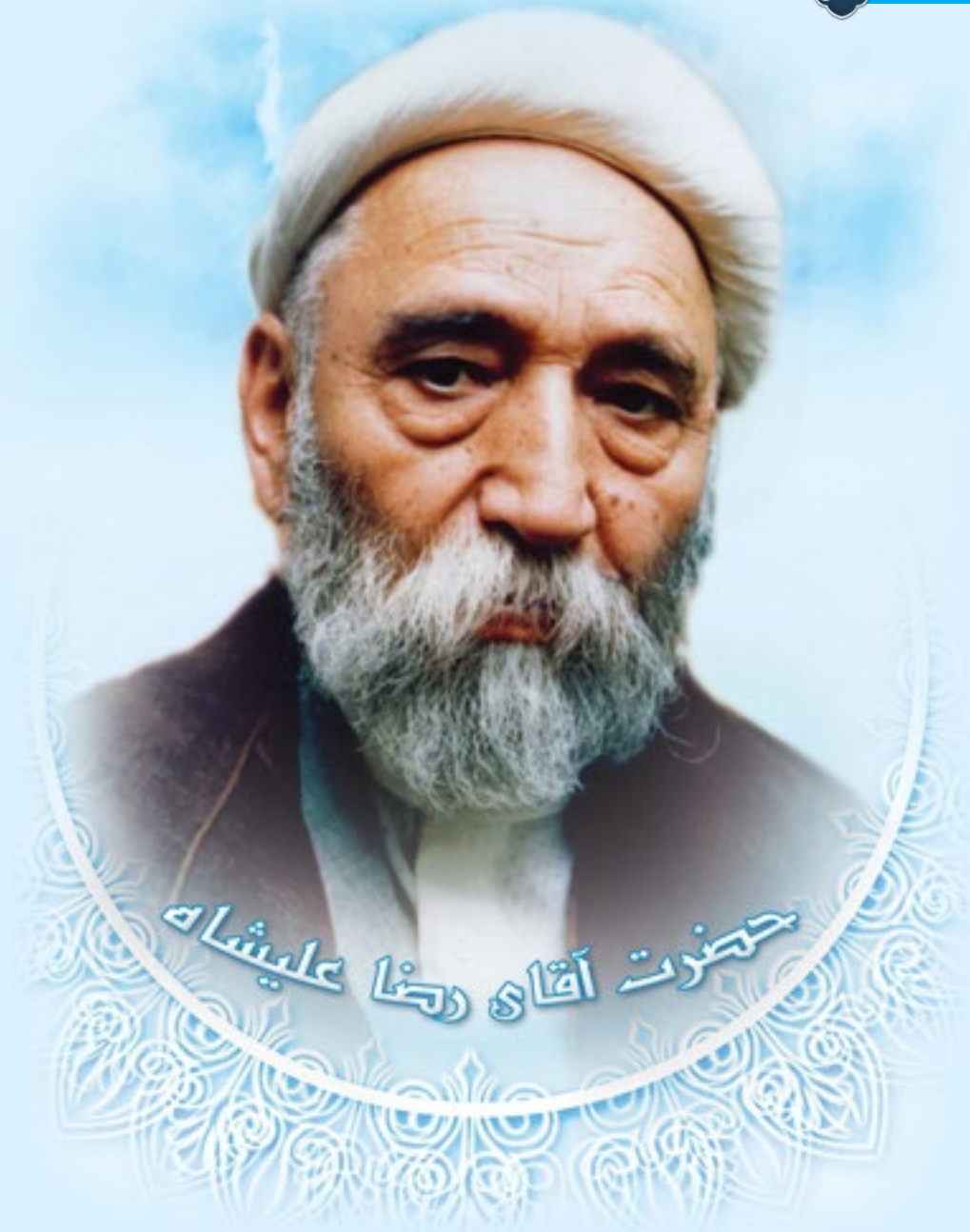
مولانا در مورد ولایت و درک آن در وجود خود مثال جالبی می آورد . او می
گوید که انسان از جنس و همجنس با خاک است و خداوند متعال به نظر
عنایت، قوتی در آدمی که خود از جنس خاک بود نهاد که به آن از همجنس
خود ممتاز شد و بر او تصرف یافت و به آن قدرت با خاک و گل از کاسه تا
خانه به اشکال و الوان متنوع ساخت که هر یک را نیز نسبت به صورت اول
که گل باشد عالی تر و کامل تر کرد.
اگر انسان که خود از گل بود به اراده الهی متصرف همجنس خود شد و او
را به هنر خود کمال داد پس عجب نباشد که بعضی را از میان آدمیان ممتاز
کند که سایرین در حق او چون گل جمادی باشند و او به هنر سایرین را به
کمال رساند.
غدیر عید ولایت است ولایتی که از آدم (ع) در شریان خلقت جاریست و در
این روز ولایت به فرمان حضرت حق به حضرت علی (ع) که مظهر مقام
علویت و ولایت مطلقه است رسید.

در این شماره می‌خوانید:

- حکم یک سال حبس علیرضا روشن از درویش گنابادی تایید شد
- حکم یکی از درویش گنابادی بیدخت اجرا شد؛ ۵۰ ضربه شلاق و ۵ ماه حبس و یک سال تبعید
- وضعیت درمانی مصطفی دانشجو در گفت و گو با وکیل وی
- تخلفات انجام شده در مورد پرونده یک درویش گنابادی؛ از بازداشت تا دادگاه
- انتقال ۲ تن از درویش گنابادی زندانی در زندان عادل آباد به بند سبز
- افتتاح خبرنامه پیامکی سایت مجذوبان نور؛ دریافت اخبار از طریق پیامک
- محکومیت کسری نوری به یکسال حبس
- دادگاه وکلای درویش و مدیران سایت مجذوبان نور در آبان ماه برگزار خواهد شد
- پرونده درویش به دادگاه می‌رود؛ حاکمیت جلوی رسانه‌های شدن را می‌گیرد
- انتقال و بستری حمید مرادی از درویش زندانی در بیمارستان رضا انتصاری از زندان اوین به بیمارستان اعزام شد
- عدم شرکت درویش گنابادی شیراز در دادگاه
- کمپین اعتراضی به زندانی شدن فعالان حقوق بشر، درویش و مدیران سایت مجذوبان نور



- ۳ شرح آیه یا ایها الرسول بلغ ... خطاب به پیغمبر در مورد تعیین جانشین و شرایط خلیفه ی الهی
تألیف حضرت آقای حاج سلطانه حسین تاننده «رضا عیشاه»
- ۵ غدیر ، عید بیعت با فتوت
- ۷ فرمایشات حضرت آقای مجذوب‌علیشاه - عید سعید غدیر
مجلس صبح جمعه مجلس صبح شنبه ، ۱۳۹۰ / ۸ / ۲۴
- ۹ رشته هدایت و جبل ولایت
قطب العارفین حضرت صالح‌علیشاه طاب ثراه
- ۱۲ گزیده‌ای از اشعار غدیر در شعر شعرای عارف
مینا ساکت



شرح آیه یا ایها الرسول بلغ... خطاب به پیغمبر در مورد تعیین جانشین و شرایط خلیفه ی الهی

تألیف حضرت آقای حاج سلطانحسین تابنده «رضا علیشاه»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع راجع به خلیفه و جانشین و آثار و شرایطی بود که باید در شخصی ولی و در آن کسی که نماینده ی خداست، ظاهر باشد و این حالات در او ظهور کند و همانطور که پیش از این هم گفتیم، از ضروریات مذهب تشیع است که زمین در هیچ زمانی از خلیفه خدا و حجت خدا بر خلق، خالی نیست که لولا الحجة لساخت الأرض اگر حجت نباشد، زمین اهل خودش را فرو می برد. دیگران می گویند نه، لازم نیست! هر وقت که اوضاع خیلی خراب شد و تحریف و تغییر و اختلافات در احکام پیدا شد و مردم توجّهشان از احکام دیانت برداشته شد، آن وقت خدا یک نفر را می فرستد برای اینکه هدایت کند و او دو مرتبه آن احکام را تجدید کند یا اینکه تکمیل یا فسخ کند. همانطور که انبیاء گذشته بودند و می گویند پیغمبر ما هم وقتی رحلت فرمود و احکام را آورد بعدش کفانا کتابُ الله وَ سُنَّةُ نَبِيهِ کتاب خدا که هست و سنت پیغمبر هم که هست. پس احتیاجی نداریم به اینکه شخصی حتما لازم باشد که در هر زمان وجود داشته باشد و بیان کند. این عقیده ی اهل سنت است. عقیده ی ملیین بطور کلی یعنی اهل کتاب و آنهایی که معتقد به دیانت حقه هستند، شخصی خواهد بود از اولاد رسول و

از فرزندان پیغمبر، «مهدی منتظر» غالباً همینطورند و می گویند که هنوز هم معلوم نیست که متولد شده باشد، شاید متولد شده باشد! و شاید هم متولد نشده باشد. ولی از اولاد رسول خدا (ص) خواهد بود، این عقیده ی اهل سنت است که گمان می کنم هفته گذشته هم همین مطلب را گفتیم، چون این مطالب مربوط به همین موضوع است، این است که تکرار شد.

ولی شیعه می گویند نه! زمین هیچ زمانی از حجت خالی نیست و باید کتاب الهی، مبین داشته باشد. باید راهی که به سوی خدا می رویم، همیشه هادی داشته باشد تا ما را راهنمایی کند و تنها ظاهر احکام نیست، تنها حکم دیانت و حدود و معاملات کافی نیست، بلکه آن وظیفه ای که بین خلق و خالق هست که مخلوق نسبت به خالق باید داشته باشد اینها هم باید باشد و آن هم احتیاج به هادی دارد. به دلیل اینکه پیغمبر خودش در نماز عرض می کند اهدنا الصراط المستقیم پس بنابراین باید هادی باشد. منتها پیغمبر به خداوند عرض می کند و ما هم همینطور عرض می کنیم، ولی دیگران باید بوسیله باشد یعنی باید بواسطه نماینده باشد، برای اینکه همه مستقیماً با خدا مرتبط نیستند که خدا بتواند آنها را هدایت کند. پس اینکه می گوییم اهدنا الصراط المستقیم (ما را به هادی برسان) یعنی ما را برسان به آن کسی که نماینده ی توست که هادی و هدایت کننده ی خلق است. کتاب الهی بسیاری از احکام آن و بسیاری از آیات آن مجمل است یا متشابه است که ما نمی دانیم، همه که حکم نیست (منه آیات محکمت و اخر متشابهات) و متشابهات را که همه نمی دانند، پس باید راسخون در علم وجود داشته باشند که آنها احکام را بفمایند و آن دستورات را برای هر کسی مطابق استعداد خودش بیان کنند و خلاصه اینکه او را راهنمایی کنند، که: نحن الراسخون فی العلم. بنابراین حجت الهی در هر زمانی باید وجود داشته باشد. درباره ی مهدی منتظر هم آنها می گویند معلوم نیست که متولد شده باشد و شاید هم متولد نشده باشد. ولی ما می گوییم که متولد شده است. طبق اخباری که حتی خودشان در بعضی از کتب خودشان آورده اند، جهت مثال کتاب موده القربی، الفصول المهمه و کتابهای دیگری که در این ارتباط نوشته شده است مثل ینابیع الموده ی و امثال اینها، خود اهل سنت نقل می کنند حدیث را به اینکه خود پیغمبر حتی ائمه بعد از علی (ع) را هم اسمهایشان را معین فرمود که بعد از علی هم یازده نفر فرزندان او هستند که اینها جانشینان من و خلفای من هستند و دوازدهمی آنها که یازدهمین اولاد علی و یازدهمین جانشین علی باشد، آن قائم است و او غیبت می کند و حجت منتظر هست، که به عقیده ی ما شیعه آن موعود حجت منتظر، فرزند بلافضل امام حسن عسگری است که غیبت کرده است و خداوند هر وقت که اراده اش تعلق بگیرد و مقدر فرموده باشد، او ظاهر خواهد شد. پس در هر زمانی یک نفر باید باشد، همانطور که مولوی می گوید:

پس به هر دوری ولیی قائم است / آزمایشش تا قیامت دائم است

که ما می گوییم یکی از دلایل اینکه مولوی شیعه بوده است، همین شعر است. پس باید در هر زمان یکی باشد که او وسیله آزمایش بندگان و وسیله امتحان مؤمنین باشد که او راهنمایی کند و او ممتحن باشد و آزمایش کند.

آن وقت ولی شریطی دارد، یا خلیفه وقت یعنی امام، جانشین پیغمبر، او که نماینده ی خدا و خلیفه ی الله است شریطی دارد، که صورت ظاهر، شرایط تلقی می شود ولی در واقع اصلش همان نص است، یعنی آن کسی که مافوق است و محیط بر این شخص است، او واقف بر حالات اوست و او را لایق می داند، وقتی نص او بود دلیل بر لیاقت این شخص است، ولو آنکه ما هزار ایراد هم به او بگیریم، همانطور که بر علی (ع) ایراد می گرفتند که خیلی تند و غیور است و ملاحظه افراد را نمی کند، ملاحظه اشخاص را نمی کند. چون علت این بود که او نظر به دین داشت، نظر به حکم خدایی داشت، نظر به اینکه چه مقامی و چه شغلی دارد، نظر به این چیزها که نداشت! خیلی کشته است از مردم، خیلی کشته است از قبایل، همه نسبت به او کینه دارند، خیلی مزاح است و با همه مزاح می کند و امثال این ایرادها را می گرفتند. ما می گوییم که همه این ایرادها هم که باشد ولی وقتی پیغمبر فرمود: من کنت مولاه فهذا علی مولا، او مولای همه شد و از همه کاملتر شد، از همه بالاتر شد و دیگر غیر از او بی نیست و در مقابل او هیچ کس نمی تواند قد علم کند. اینها شریطی است که برای خلیفه زمان و خلیفه ی الله وجود دارد که اولاً احاطه باطنیه بر مراتب و بر تمام نفوس داشته باشد. این شخصی که می خواهد جانشین پیغمبر باشد، ولی الله و خلیفه الله در روی زمین باشد، یعنی بخواهد این گمراهان را هدایت کند و آنها را برساند، پس باید واقف بر راه باشد و بداند کجا خطرناک است و کجا جاده صاف است. مثلاً بداند در کجا دزد است و دیگران را از خطر دزد نجات دهد یا آنها را از مهالک و درندگان نجات بدهد.

راهیست سوی کوی تو، چون موی تو ای محتشم
 باریک و تاریک و سیاه، طولانی و پر پیچ و خم
 بسیار در وی عقده ها، چون عقده های تو به تو
 بسیار در وی دامها چون دامهای خم به خم

*از کتاب چهل گوهر تابنده با تلخیص

غدیر، عید بیعت با فتوت

علی و آلش

زین سبب پیغمبر با اجتهاد
گفت هر کاورا منم مولا و دوست
نام خود و ان علی مولی نهاد
ابن عم من علی مولای اوست
(مولوی، مثنوی، دفتر ۶، ب ۴۵۳۸-۴۵۳۹)

جبرئیل فرشته و حسی بر حضرت محمد امین (ص) نازل شد و با صدایی از جنس نور و صاعقه گفت: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک، و ان لم تفعل فما بلغت رسالتہ، واللہ یعصمک من الناس، ان اللہ لا یهدی القوم الکافرین». (آیه ۶۷ سوره مائده) و رسول خدا با فرمان منصوص الهی، در غدیر خم در حضور یک صد هزار زائر حج علی (ع) را به جانشینی معنوی، علمی و سیاسی خویش منصوب کرد. به نقل از کتاب فریقین؛ پیامبر خدا فرمود: «هر که را من مولای او هستم، علی هم مولای اوست، بار خدایا دوستدار او را دوست بدار و بدخواه او را دشمن. یاور او را یاری نما و آنکه او را تنها می گذارد را تنها گذار.» پس از آن فرشته وحی مجددا نازل شده گفت: «الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و اخشون، الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت الاسلام دینا». (آیه ۶۷، سوره مائده) «پروفسور هانری کربن» اسلام شناس و فیلسوف برجسته فرانسوی می گوید: «اسلام بر پایه دو اصل اعتقادی استوار است: یکی نبوت که همانا رسالت پیامبر است و دیگری ولایت که تجلی آن در امامان است. اولیاء الله که مظهر عصمت و انوار الهی اند، نمونه کامل رهبران روحانی و معنوی، یعنی ادامه دهندگان راه پیامبرانند. پس به هر دوری ولی ای قائم است / تا قیامت این ولایت دایم است. پس از دور نبوت، دور امامت آغاز می شود و فتوت که جامع هر دوی اینهاست پایه گذارش حضرت ابراهیم و قطب آن حضرت علی و خاتم آن حضرت حجت (عج) است.» (مجموعه مقالات هانری کربن، ص ۳۳۵، تهران، ۱۳۸۴)

میبیدی گوید: این آیه در شأن علی (ع) آمد. چهار درهم داشت و در همه خاندان او جز آن نبود. هر چهار درهم به درویشان داد. یک درهم به شب، یکی به روز، یکی به نهران و یکی به آشکار. نشانه دیگر آنکه گاه افطار، تنها قوت خود به فقیر تقدیم کرد. برخی گویند اینها منش قبل از قدرت، ریاست و حکومت است؛ آدمی پس از قدرت عوض می شود. امام علی (ع) در دوران ریاست نه تنها روزها، که شبها نیز شخصا به فقرا رسیدگی می کرد؛ در حالی که برخی که او را نمی شناختند؛ به خلیفه به خاطر کوتاهی در خدمت به فقیران ناسزا می گفتند. نشانه دیگر فتوت آنکه هیچ گاه حقوق منتقدین قدر خویش را قطع نکرد و وقتی مخبران از توطئه براندازی آنها خبر دادند؛ در اصلاحشان کوشید و آن گاه که در مجلس سخنرانی اش در مسجد آشوب کردند؛ آنها را زندانی نکرد. نشانه فتوت شمشیر علی (ع) آن است که وقتی عمر بن عبدود (پهلوان کفر) در نبرد تن به تن به او توهین کرد، لحظه ای در کشتنش درنگ کرد تا شمشیر خود را به خاطر امیال شخصی به خون کسی نیالاید.

مولانا در این باب می سراید:

در غزا بر پهلوانی دست یافت / زود شمشیری برآورد و شتافت
او خدو انداخت در روی علی / افتخار هر نبی و هر ولی
آن خدو زد بر رُخی که روی ماه / سجده آرد پیش او در سجده گاه
در زمان انداخت شمشیر آن علی / کرد او اندر غزایش کاهلی
گشت حیران آن مبارز زین عمل / وز نمودن عفو و رحمت بی محل
گفت بر من تیغ تیز افراستی / از چه افکندی مرا بگذاشتی؟
گفت امیرالمومنین با آن جوان / که به هنگام نبردای پهلوان
چون خدو انداختی در روی من / نفس جنبید و تبه شد خوی من
نیم بهر حق شد و نیمی هوا / شرکت اندر کار حق نبود روا
(مولوی، مثنوی، دفتر اول، ب ۳۷۲۲-۳۷۲۷ و ۳۹۷۷-۳۹۷۵)

فتوت رکن اصلی ولایت است.

رسول خدا (ص) فرمود: «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار».

نشانه های فتوت چیست؟

آنکه در رکوع، انگشتی به سائل دهد. «انما ولیکم الله و رسوله والذین امنوا الذین یقیمون الصلوه.. و یوتون الزکوه.. و هم راکعون». (سوره مائده)
نشانه دیگر فتوت آنکه اموال خود را روز و شب، آشکار و نهان به درویشان دهد. «الذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار، سرا و علانیه، فلم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون». (سوره بقره)

برخی گویند اما این ماجرا قبل از ریاست اوست؛ آدمی پس از ریاست تغییر می کند. اما ماه من با علم به اینکه قاتلش ابن ملجم است، حتی با اعتراف او به قصدش از سوء قصد، اقدام به قصاص قبل از جنایت نکرد. نشانه دیگر فتوت شمشیر او آنکه پس از غصب رهبری اش و بیعت بخشی از نخبگان و مردم با غاصبان منصبش، شمشیر در غلاف کرد و برای مصلحت بزرگ تری سکوت کرد؛ در خانه نشست و صبر پیشه کرد. آنچه گفتم خیال نیست واقعیت عینی تاریخی است. به قول شهید دکتر علی شریعتی «علی حقیقتی بر گونه اساطیر» را توصیف کردم و چه نیکوست که حاکمان در هر زمان در منش و عمل، فتوت علی (ع) را در پیش گیرند و بر قلوب ملت ها حکومت کنند.



من گفتم برادرانم را با هم



فرمایشات حضرت آقای مجذوب‌علیشاه

عید سعید غدیر

مجلس صبح شنبه، ۱۳۹۰ / ۸ / ۲۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این عید سعید را به همه شیعیان و حق طلبان و محققین تبریک می‌گوییم. این عید در واقع در نزد ما شیعیان، عید تولد تشیع است ولی در نزد خداوند و بندگان خاصش، محمد و علی مرحمتی است که به ما مردم عامی شده است. علی از روز اول، از روز خلقت جانشین پیغمبر بود نه امروز، خداوند امروز به ما اعلام کرد که این شخص جانشین است. شیعیانی که آن آیه را شنیدند که فرمود «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا» (آل عمران / ۱۴۴) البته زمان پیغمبر، فرمود: پیغمبر مثل شما بشری است اگر کشته شد یا مرد شما به روزگار جاهلیتتان برمیگردید؟ هر کسی چنین احمقی بکند در واقع به خداوند ضرری نمی‌زند. اینها فهمیدند که این سبق از بین نمی‌رود.

مصطفی را وعده کرد الطاف حق / که بمیری تو نمیرد این سبق

ولی ما امروز فهمیدیم، امروز یعنی آن روز، فهمیدیم که مرتضی را وعده کرد الطاف حق که بمیری تو نمیرد این سبق. چون اضافه بر آن آداب و احکامی که پیغمبر می‌فرمود طرز نماز، روزه، حج و امثال اینها اهل دل فهمیدند که دلشان این را کافی نمی‌داند، دلشان کافی نمی‌داند که سوره حمدی بخوانند همان طوری که یک ضبط صوت سوره حمد می‌خواند، نه، دلشان دلداری می‌خواست. وقتی این احساس را کردند، خداوند به آنها فهماند. فهماند که آن دلداری هم هست اینها آداب شرفیابی پیش اوست. آیا علی (ع) بعد از رحلت حضرت پیغمبر دیگر خلافتش باطل شد؟ علی (ع) از همان اول می‌فرمود به خودش نمی‌گفت خلیفه الرسول الله، سایر آقایان را چه قبل از آن و چه بعد از آن، چه با خلوص نیت و چه از روی حقه بازی خودشان می‌گفتند خلیفه الرسول الله، خلیفه اول می‌گفت من خلیفه الرسول الله هستم، هیچ کدام از جانب خدا خلافتی را برای خودشان قائل نبودند. بعد اولی گفت خلیفه الرسول الله، دومی گفت خلیفه الرسول الله، ولی دیدند به این ترتیب تا روز قیامت اگر بخوانند بروند این طور، این است که به نام امیر المؤمنین رسم شد. علی (ع) در همان ایام هم آن خلافتی که داشت و ما امروز فهمیدیم او این خلافت را دارد آن خلافت دست نمی‌خورد، دستی به آن نمی‌رسد مگر این که دست همان ولی و دلداری هم بشود دستش را بگیرد والا آن دست خود به خود به آن نمی‌رسد ولی علی (ع) هم با توجه به این که آن آقایان قبل از آن نگهدار شریعت بودند یعنی مساجد را بر پا می‌داشتند چراغش را روشن می‌کردند و امثال اینها، اینها هم لازم بود. مثل درباری بود برای ورود به قلمرو بزرگواری و خلافت علی. به این جهت است که می‌بینیم اگر یک اختلافاتی هم در بعضی آداب و احکام هست که آنها اجرا می‌کردند علی (ع) بر آنها شمشیر نمی‌کشید ولی در یک موردی که

به آن مسئله دل و ارتباط دل لطمه بخورد شمشیر می کشید.

زمان عثمان با ابودر (رضی الله عنه) بحث و مجادله کرد. ابودر مجادله کرد در آن آخر عثمان گفت که من می خواهم تو را از مدینه تبعید کنم خودت بگو به کجا تبعیدت کنم؟ ابودر فرمود همه جای زمین برای من فرقی نمی کند ملک خداست فقط می خواهم من را به ریزه تبعید نکنی زیرا ایام جاهلیت و کفر خودم را در آنجا گذراندم نمی خواهم آن خاطره زنده بشود، عثمان این فرمایش ابودر را این طور اجرا کرد که ابودر را به همان ریزه تبعید کرد، همان جایی که گفت من را فقط به آنجا تبعید نکنی. علی بر اینها اعتراضی نکرد، اعتراض چرا حتماً گفته است ولی مقاومتی نکرد نه ابودر، نه علی، احکام شریعت است ولی عثمان گفت هیچ کس به بدرقه ابودر نرود فردا صبح، خوب مردم عادی از فرمان خلیفه اطاعت کرده بودند هیچ کس نیامد. علی (ع) و حسنین به بدرقه آمدند مروان به علی گفت من نمی گذارم بیایی، شما مگر فرمان خلیفه را نشنیدید امیرالمؤمنین عثمان گفت هیچ کس نیاید. حالا نمی دانم حضرت عبارتی راجع به عثمان فرمود یا نه ولی به هر جهت گوش نداد و شمشیر کشید که به مروان گفت اگر بیایی جلو گردنت را می زنم. غیر از این مورد همه جا به صورت ظاهر حضرت اطاعت می فرمودند، چرا؟ آن خلافتی که اینها داشتند مورد نظر خودش نبود و حتماً مورد نظر پیغمبر هم چندان نبود، بود ولی نه اینکه همه حیات، زندگی همین باشد که ما بگوییم فقط می خواست که علی خلیفه باشد، نه. به ما اعلام کرد اولاً این که خداوند علی را معین کرده همان خداوندی که من را معین کرده من محمد بعد از من گفته این باشد منتها من به گوش شما مردم باید برسانم و رساندم. این است که در اصطلاح علی (ع) کاری در آنجا ندارد. اگر یادتان باشد که شنیدید البته در آن ایام نه، مدتها بعد علی به ما فرمود که این حکومت شما، این خلافت شما، به ابن عباس فرمود اینها به اندازه این کفش کهنه پاره پاره من ارزش ندارد. آن وقت پیغمبر بگویم یا خداوند برای حکومت این و داشتن این کفش پاره پاره علی را تعیین کرد. البته وقتی علی را تعیین می کند خوب علی لباس می خواهد کفش هم می خواهد کفش هم مال اوست. کفش هم مال اوست ولی هدف خداوند و پیغمبر این کفش نبود، همین که در آن مدت های اولی که علی (ع) خودش حیات داشت و بود و میدید خلفا حتی عثمان که محققین کالا می گویند خیلی اشتباهات کرد و ضعف داشت طبق اداره حکومت هر چه می گفتند علی (ع) کاری نمی کرد برای اینکه جامعه باید منظم باشد حتی خوب، شیعه یعنی مکتب ما از اول احادیث را که سنت تلقی می شود جمع آوری می کردند ولی عمر دستور داده بود گفت که چون احادیث را جمع کنید بنویسید پس فردا این را مردم اشتباه می کنند این را قرآن می گیرند و بنابراین فعلاً حدیث را نباید جمع کنید، گفتند یکی از صحابه مشهور که یادم نیست احادیث و فرمایشات پیغمبر را جمع می کند، نوشته، او را خواست و کاغذش را هم از او گرفت و پاره کرد و به آن صحابی لگد زد. علی (ع) در آنجا چیزی نگفت البته خودش آنچه را که صحیح می دانست اجرا می کرد ولی نخواست در جامعه تشتت ایجاد بشود. آنقدر به هماهنگی اهمیت می دادند که خوب حالا برای اینکه خوب ما معنی ولایت را بدانیم اول این معنی را بدانیم که می گوییم ولایت علی به قول مولوی می گوید که

کیست مولا آنکه آزادت کند / بند رقیبت ز پایت وا کند
زان سبب پیغمبر با اجتهاد / نام خود نام علی مولا نهاد
گفت هر کس را منم مولا و دوست / ابن عم من علی مولا اوست

مولا، بند رقیبت را ز پایت باز می کند. رقیبت یعنی بندگی، غلامی. ظاهراً که در دنیا و نظام امروز رقیبتی نیست، غلامی نیست. این بند رقیبت منظور آن بند نیست برای اینکه بلال حبشی آن بند رقیبت ظاهری به پایش بود غلام بود ولی غلامی بود که تاج سر ماست اینجا منظور از این رقیبت، رقیبت در دام شیطان و هوی و هوس و حب جاه و مقام است بنابراین به این ولایت و این مولا بودن علی در آزادی اوست و در آزاد کردن ماست جز یک بند و آن بندی که خدا آفریده. خداوند روزی که آدم را و دشمنش، شیطان را به این کره فرستاد و گفت در آنجا زندگی کنید باهم زندگی کنید باهم دعا کنید. در آن روز **«فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ»** (بقره/ ۳۷) این شفقت را به آدم نمود کرد خودش به او یاد داد چنین بگو و چنین کن **«فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ ...»** (بقره/ ۳۷) آدم گفت که: **«رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا»** (اعراف/ ۲۳).

خداوند به او مرحمت فرمود. فرمود با شما که به آن کره فرستادم یک رشته ای هم از خودم فرستادم هر کس که به آن رشته متوسل بشود به من می رسد. این همان رشته ای بود که محمد به آن دست داشت بعدش از این طرف علی (ع) و بعد الی آخر. و محمد این را اعلام کرد، به ما اعلام کرد که من متوسل به این طناب هستم بعد از من علی است ولی به هر جهت امروز برای ما جشن است چون ما آن دید را نداشتیم که از اول به کنه عظمت علی پی ببریم و نمی دانستیم. در این روز پیغمبر فرمود، اعلام کرد و ما شنیدیم.

دیدم خوب متأسفانه حتی در شعارهای ما این سیاست نامکره و ناخوشایندی که در همه دنیا هست دخالت می کند. مثلاً شعار می دهند راه ما راه عید غدیر است، عید غدیر راه نیست راه ما پیمودیم به عید رسیدیم. این عید غدیر اعلام این مطلب است یعنی اعلام این که تشیعی هست و رهبر تشیع بعد از محمد، علی خواهد بود و بعد از علی، الی آخر تا روز قیامت، این رشته الهی که با خلقت بشر همزمان است قطع نمی شود.

برای ما امروز جشن است این جشن را برای خودمان می گیریم خوشحالیم از اینکه خداوند ما را آنقدر لایق دانست که اعلام کند. ما را نگذاشت که خودمان بگردیم و نتوانیم پیدا کنیم ولی پیروی علی و ولایت علی این نیست که فقط **«أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ»** بگوییم برای اینکه این حرف را ممکن است یک غیر عرب، غیر ایرانی هم بگوید، از روی ضبط صوت هم گوش بدهد تقلید کند و اصلاً نفهمد یعنی چه. ولی الله که می گویند از آن آیه است که **«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»** (مائده/ ۵۵) ولی شما خداوند است و کسانی که، این را چون پیغمبر فرمود شاید خودش را نگفت، و پیغمبر و از مؤمنین، کسانی که نماز می خوانند و در همان ضمن، صدقه می دهند که این، غالب محققین گفته اند که علی (ع) در مسجد ضمن نماز دید هیچ کس به سائل چیزی نداد، انگشترش را درآورد و به او داد.

برو ای گدای مسکین در خانه علی زن / که نگین پادشاهی ز کرم دهد گدا را

این است که ولی خداوند، ولی ما است. حتی در قانون اساسی ما هم نوشته شده ولایت خداوند بر همه مردم است و اصل ولایت مال خداوند است. انشاءالله خداوند به ما توفیق بدهد که درک این مفاهیم را بکنیم و دنباله رو آنها هم باشیم، انشاءالله.

به قلم

قطب العارفين حضرت صالحعلیشاه طاب ثراه

قطبُ العارفين و صالحُ المؤمنین، المولی المؤمن، الحاج شیخ محمد حسن صالح علیشاه. جنابش فرزند و خلیفه جناب حاج ملا علی نورعلیشاه ثانی و نوه حضرت آقای سلطانعلی شاه طاب ثراه است. تولدش هشتم ذی الحجه یکهزار و سیصد و هشت هجری قمری، مولدش قریه بیدخت گناباد، موطن و مسکن پدر و جد بزرگوارش بوده، تا حلول یکهزار و سیصد و بیست و هفت هجری که جد بزرگوارش حیات داشت، در تحت تربیت پدر و جد خود در بیدخت مشغول تحصیل علوم بود، و پس از شهادت جد عالیقدرش فاصله‌ای نکشید که به اغوای اعدای خارجی و راهنمایی دشمنان داخلی فقر و درویشی، مردی باغی و راهزنی طاغی به نام سالار خان بلوچ به گناباد آمده غفلتاً بیدخت مرکز عرفان را مورد بغما و چپاول قرار داد و جناب نورعلیشاه والد بزرگوار آقای صالح علیشاه را با تمام اقوام و اصحاب زندانی نمود. جنابش که این وقت در دسترس دشمنان و غارتگران قرار نداشت، بر حسب امر پدر بزرگوارش مخفی شده و شبانه با لباس مبدل به طرف تهران فرار نمود و پس از آنکه بر اثر اقدامات ایشان و سایر فقرا و دوستان جناب نورعلیشاه از چنگ دشمنان مستخلص شده به تهران آمدند، پدر و پسر به دیدار هم مشعوف گردیدند. سپس جنابش در رکاب پدر به اصفهان مسافرت فرموده، به امر پدر برای تحصیل علوم در اصفهان با نویسنده این سطور در مدرسه صدر اصفهان متوقف و مسکن گزید و مدتی در محضر درس اساتید بزرگ مثل آخوند ملامحمد کاشی و جهانگیر خان قشقائی و سایر مدرسین آن ولایت به تحصیل علوم منقول و معقول مشغول بود تا اینکه پدر بزرگوارش وی را به تهران احضار فرمود و در شعبان یکهزار و سیصد و بیست و هشت به وی اجازه امامت جماعت و تلقین اذکار لسانی مرحمت فرمود. پس از آن در ربیع الثانی یکهزار و سیصد و بیست و نه به دستگیری و ارشاد عباد مأمورش نموده و به لقب «صالح علیشاه» ملقب و مفتخرش فرمود. آنگاه در رمضان یکهزار و سیصد و سی، فرمان خلافت و جانشینی خود را برای وی صادر کرد و حضرت صالح علیشاه در همان سال به زیارت بیت الله مشرف گردید.

حضرت آقای صالح علیشاه

رشته هدایت و جبل ولایت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستایش ایزدی را سزد که از آرایش نقایص و کثرت مبراست و معبودی را زبید که در کمال بی‌نیازی از همه، همه به او و از او پیداست، حسن جمال ذاتش اقتضاء نمایش نمود و از پرده غیبت ظهور فرمود.

جنبشی کرد بحر قلزم عشق / صد هزاران حباب پیدا شد

لباس اسماء و صفات در پوشید و کارخانه صنعت موجودات را آفرید و بنی نوع آدم را از آن جمله برگزید و مشرف به تشریف وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي [۱] گردانید. قوه طیاره ملکوتیه یعنی لطیفه سیاره انسانی و استعداد عروج مقامات عالیه را بر تمام موجودات عرضه داشت، قوه تحمل این بار در خود ندیدند و تمام قدم پس کشیدند؛ انسان که ظلوم و جهول بود چون عاشق بی‌باک متحمل این بار امانت گردید. و چون در راه مقصد، راهزنان و سارقین که عبارتند از جنود جهل و شیاطین، دید؛ به لسان استعداد از واهب الاستعداد درخواست که برای حفظ گنجینه‌ای که عطا فرموده حافظ و حراس بگمارد تا از شر اعداء محفوظ بماند. درخواست او به اجابت مقرون گردید بخشنده مهربان به حکم: وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ [۲] قوای عقلانی و جنود ملکوتی به او بخشید تا به دستگیری آنها از راه راست برود و گنج را تا به مقصد برساند و به صاحب آن تسلیم نماید. چون به اغوای شیطان ترک امر نمود؛ ندای اِهْبَطُوا [۳] شنید و از مقام مجرد و عالم ملکوت دور، و در تنگنای محبس عالم طبیعت و ناسوت منزل گزید. تمام عهود و موثیق که بر آن مفطور بود، عملاً فراموش نمود و از راه مقصد و امانت به کلی غفلت فرمود؛ لطف ایزدی تقاضا نمود که آنها را از خواب غفلت بیدار و از سکر نسیان عالم ناسوت هشیار سازد و از سجن عالم طبیعت به اعلی مراتب مقصد برساند، لاجرم مظاهر ذات و مجالی اسماء و صفات که وجودات مقدسه مبارکه انبیاء و اولیاء علیهم السلام است به عالم فرستاد و لباس بشریت پوشانید وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ [۴] تا به لباس آنها درآیند و عهود و موثیق عالم ازل را به بیعت بر دست آنها تجدید نمایند و جنود عقلی را به حراست امانت واداشته؛ خود به همراه همت آنها روی به راه گذارند. آنها هم به زبان قوم مشغول به مأموریت خود شده و ندای: اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا [۵] در عالم درانداختند. مدعوین اِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ [۶] جواب دادند و ندانستند که مادام که افراد خلق مکلفند، هادی لازم دارند که آنها را به راه راست هدایت نماید تا شیطان و جنود و مظاهر او درصدد اغواء انسان و راهزنند، منذر خواهند که آنها را از مواقع خطرات راه باخبر سازد؛ پس باید در هر زمان داعی الهی ظاهر و معروف در میان انام، و حجت خدایی بر مردم تمام باشد؛ بلکه چون واسطه فیض حضرت متان و جان عالم امکان است بدون او وجود نگیرند و اگر از دنیا به جز دو نفر نماند یکی حجت بر دیگری خواهد بود، و اَلَا لَخَسَفَ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا [۷]. و چون جسم و جسمانیات که مرکب از اضدادند در معرض فنا و زوال است و تن بشری و بدن عنصری الا ما شد و ندر و ندر باید از این دار فانی رخت به عالم جاودانی کشد و جبل متین خدایی هم باید که منقطع نشود و هر کس که از جانب خود ادعا نماید یا با استراق سمع کلمات آنها را بر زبان آرد و خود را بزرگ وقت پندارد، یا به بعضی وسایل خود را رئیس و مطاع صوری نماید، این چنین امر بزرگی را نشاید؛ کوری که خود جایی را ندیده چگونه راهبر دیگران شود و اعدام را لو فرض که جمع نمایند. جز عدم حاصل نشود تا چه رسد که موجد باشد

ذات نیافته از هستی بخش / کی تواند که شود هستی بخش

پس خود مردم هم برای خود نتوانند راهبر معین نمایند و نه هر مدعی را پیروی توانند کنند؛ پس باید اکمل وقت و مربی خلق که مسلم مسؤول و من عندالله محیط بر تمام است مستعدی را تربیت فرماید و کمالات مکمونه او را بروز دهد و از قوه به تمام فعلیت رساند و لباس آخری باطن خود گرداند و برای زمان بعد از خود او را معین فرماید و همت همراه نماید تا حجت بر خلق تمام باشد و راه شک و ریب برای احدی نماند.

پس به هر دوری ولیی قائم است / آزمایش تا قیامت دائم است [۸]

و این رشته هدایت و جبل ولایت از زمان آدم الی خاتم و الی انقراض العالم به موجب اخبار صحیحه معتبره و شهادت عقول سلیمه، بوده و خواهد بود و هر سابقی، لاحقی را برای خود به موجب: **وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ [۹]** معین می فرمود؛ تا منتهی شد به هادی سبل و نتیجه انبیاء و رسل و اشرف و افضل اهل قل خاتم **الْكَلِّ فِي الْكُلِّ اَعْنَى الْمَحْمُودِ الْاِحْمَدِ ابْنِ الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ (ص)** فی الازل و الابد که مجلای اتم و آئینه سرپای نمای قدم و دارای لوازم عالم ناسوت و محیط عوالم ملکوت و سیار مراتب جبروت بود؛ ظهور فرمود و تجدید مطلع نمود. آنچه باید و شاید در اعلاء کلمه حقه اسلامیه کوشش نمود و مردمان را به راه راست هدایت و دلالت فرمود و بعد از عبادت حضرت غیب الغیوب و تصفیه نفس از نقایص و عیوب به تهذیب اخلاق و مساوات و مواسات امر می فرمود و از بیادبان سباع فطرت و ستور خصلت اذیتها و لگدها دید، پدر مشفق مهربان را دزد خارجی انگاشتند و طیب حاذق را اطاعت نکرده بلکه دشمن می پنداشتند و رایب عداوت آن حضرت را برافراشتند و بنای اذیت فعلی و قولی آنچه توانستند نسبت به آن بزرگوار گذاشتند و هر قدر اذیت و زحمت از آنها دید بر خود گوارا کرده دست از هدایت آنها نکشید و چون رحلت حضرت نزدیک گردید از جانب حق ندا رسید که اصل دین و کمال ایمان که نصب کردن خلیفه است باقی است، برای خود علی (ع) را به خلافت نصب نما و تمام مسلمین را اعلام فرما؛ این بود که در مراجعت از حجه الوداع که اغلب مسلمین حاضر بودند آن حضرت این مطلب را تأخیر روا نداشتند و در میان بیابان در غدیرخم از چهار شتر منبری ساختند و در حضور تمام، حضرت خاتم الاوصیاء و اشرف الاولیاء سرچشمه بحارانوار و مظهر انوار حضرت کردگار مولی الکل فی الکل علی بن ابیطالب امیر المؤمنین و مولی الموحّدین و امام المتّقین صلوات الله و سلامه علیه الی یوم الدّین که پسر عم و صهر آن حضرت بود نصب نمود و الی وارث و موروث فرمود؛ و فرمود: حاضران به غایبان برسانند که **مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَاِلٰی مَنْ وَاِلَآهٍ وَاَعَادَ مَنْ عَادَاهُ وَاَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ. [۱۰]**

زیّن سبب پیغمبر با اجتهاد / نام خود و آن علی مولا نهاد
گفت هر کس را منم مولا و دوست / ابن عم من علی مولای اوست
کیست مولا آن که آزادت کند / بنند رقیقت ز پایت بر کند
چون به آزادی نبوت هادی است / مؤمنان را ز انبیا آزادی است [۱۱]

امر او را امر خود و نهی او را نهی خود و اطاعت او را اطاعت خود فرمود؛ و فرمود که این، شخصی نیست بلکه هر زمانی هادی خواهد و برای هر بزرگی وصی ئی باید و بعد از او اوصیاء او، ائمه مسلمین و مطاع مؤمنینند و در آن روز بود که حضرت حق فرمود که امروز نعمت را بر شما تمام کردم و خوشی ها را بر شما حلال نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم؛ و کفار که امر دین را شخصی فرض نموده، به رحلت حضرت منقرض می پنداشتند، مأیوس شدند [۱۱] و این امر وصایت و اتصال رشته هدایت بعد از آن حضرت در میان ائمه اثنی عشر اصالتا و مشایخ این بزرگواران نیابتاً مجری بوده و تا ابدالآباد خواهد بود و چون خداوند این مطلب را نعمت بزرگ فرموده، مؤمنین را شاید و زبید که در عید غدیر و سایر ایام نعمت به شکرانه موهبت جشن گیرند و عید شمارند و خوان و مائده بزرگ خدایی دانند و آنچه از دست برآید از بدل مال و جدّ و جهد کوتاهی ننمایند تا وفر ایمان و مؤمنین در نظر دشمنان دین زیاد و بازار نفاق منافقین و انکار منکرین کساد گردد.

ای گروه مؤمنان شادی کنید / همچو سرو و سوسن آزادی کنید
لیک برگویید هر دم شکر آب / بی زبان چون گلستان خوش خطاب [۱۲]

- [۱] سوره حجر، آیه ۲۹: و از روح خود در آن دمیدم.
- [۲] سوره ابراهیم، آیه ۳۴: و هر چه از او خواسته اید به شما ارزانی داشته است.
- [۳] سوره بقره، آیات ۳۶ و ۳۸ و نیز سوره اعراف، آیه ۲۴: پایین روید.
- [۴] سوره انعام، آیه ۸: و اگر فرشته ای نازل می کردیم، کار به پایان رسیده بود]
- [۵] سوره نوح، آیه ۳: خدا را بپرستید، و از او بترسید و از من اطاعت کنید.
- [۶] سوره زخرف، آیه ۲۲: پدرانمان را بر آیینی یافتیم و ما از پی آنها می رویم.
- [۷] و الا زمین اهلش را فرو می برد.
- [۸] مثنوی معنوی، به اهتمام توفیق سبحانی، انتشارات روزنه، ۱۳۷۸، دفتر دوم، بیت ۸۱۵ (با کمی اختلاف)
- [۹] سوره قصص، آیه ۵۱: برای ایشان سخن در سخن پیوستیم.
- [۱۰] کسی که من مولای او هستم، پس این علی مولای اوست، پروردگارا دوست بدار کسی که او را دوست بدارد و دشمن بدار کسی که او را دشمن بدارد و یاری فرما کسی که او را یاری کند و خوار گردن کسی را که او را یاری نکند.
- [۱۱] مثنوی معنوی، دفتر ششم، ابیات ۴-۴۵۵۱ (با کمی اختلاف)
- [۱۲] اشاره است به آیه ۳ سوره مائده: **الْيَوْمَ يَسَّرَ الْاَلَيْمَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ دِيْنِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَاَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيْ وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِيْنًا**



الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين
بولاية علي بن ابي طالب
عليه السلام

گزیده‌های از اشعار خدییر در شعر شعرای عارف

جلال‌الدین محمد مولانا مولوی

تا صورت پیوند جهان بود، علی بود
شاهی که ولی بود و وصی بود، علی بود
آن شیر دلاور که ز بهر طمع نفس
آن کاشف قرآن که خدادار همه قرآن

رومی نشد از سر علی کس آگاه
یک ممکن و این همه صفات واجب

از علی آموز اخلاص عمل
در غزا بر پهلوانی دست یافت
او خدو انداخت بر روی علی

در شجاعت شیر ربّانی استی
ای علی که جمله عقل و دیده‌ای
تبغ حلمت جان ما را چاک کرد
باز گو دانم که این اسرار هوست
باز گو ای باز عرش خوش شکار
چشم تو ادراک غیب آموخته
راز بگشا ای علی مرتضی
چون تو بابی آن مدینه علم را
باز باش ای باب رحمت تا ابد

زین سبب پیغمبر با اجتهاد
گفت هر کس را منم مولا و دوست
کیست مولا آن که آزادت کند
چون به آزادی نبوت هادی است
ای گروه مؤمنان شادی کنید

ابوالقاسم فردوسی

چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی
که من شهر علمم، علی‌ام در است
اگر چشم داری به دیگر سرای
منم بنده‌ی اهل بیت نبی

خداوند امر و خداوند نهی
درست این سخن گفت پیغمبر است
به نزد نبی و «وصی» گیر جای
ستاینده‌ی خاک پای «وصی»

شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی

جوانمرد اگر راست خواهی ولی است
کرم، پیشه شاه مردان علی است

به آن روزی که وحی آمد نبی را
که بعد از مصطفی در کل عالم
پس از احمد امام حق علی دان

کسی را چه زور و زهره که وصف علی کند
جبار در مناقب او گفته: هل اتی
دیباچه مروت و سلطان معرفت
لشکرکش فتوت و سردار اتقیاء
فردا که هر کسی به شفیعی زند دست
ماییم و دست و دامن معصوم مرتضی

حافظ شیرازی

علی امام و علی ایمن و علی ایمان
علی امین و علی سرور و علی سردار
علی ز بعد محمد ز هر که هست بفه است
اگر تو مؤمن پاکی بکن بر این اقرار
که نیست دین هدا را به قول پاک رسول
امام غیر علی بعد احمد مختار

ای دل غلام شاه جهان باش و شاه باش
پیوسته در حمایت لطف الاله باش
از خارجی هزار به یک جو نمی خردند
گو کوه تا به کوه منافق سپاه باش
آن را که دوستی علی نیست کافر است
گو زاهد زمانه و گو شیخ راه باش
امروز زنده ام به ولای تو یا علی
فردا به روح پاک امامان گواه باش

نوشته بر در فردوس کاتبان قضا
نبی رسول و ولی عهد حیدر کزار
امام جنّی و انسی علی بود که علی
ز کل خلق فزون است از صغار و کبار
علی امام و علی ایمن و علی ایمان
علی امین و علی سرور و علی سردار
علی ز بعد محمد ز هر که هست به است
اگر تو مؤمن پاکی بکن بر این اقرار
به حق دین محمد به خون پاک حسین
به حق مردم نیک از مهاجر و انصار
که نیست دین هدی را به قول پاک رسول
امام، غیر علی بعد احمد مختار

قسام بهشت و دوزخ آن عقده‌گشای
ما را نگذارد که در آیم ز پای
تا کی بود این گرگ ربایی، بنمای
سر پنجه‌ی دشمن افکن ای شیر خدای

فریدالدین عطار نیشابوری

قلب قرآن قلب پُر قرآن اوست
«وال من والاه» اندر شأن اوست

گفت پیغمبر به یارای سخن
گفت حیدر را خدا این تحفه داد
گشت داخل از یقین زوج بتول
رونقی کان دین پیغمبر گرفت
قلب قرآن، قلب پُر قرآن اوست

ز مشرق تا به مغرب گر امام است
گرفته این جهان زخم سنانش
چو در سر عطا اخلاص او راست

پیک رب العالمین آمد به من
بر همه‌ی خلق جهان فضلش نهاد
در ولایت با خداوند و رسول
از امیرمؤمنان حیدر گرفت
«وال من والاه» اندر شأن اوست

امیرالمؤمنین حیدر تمام است
گذشته زان جهان وصف سه نانش
سه نان را هفده آیه خاص او راست



ناصر خسرو قبادیانی

علی آن یافت ز تشریف که در روز غدیر
شد چو خورشید درخشنده در آفاق شهیر

با خرد باش یکدل و همبر چون نبی با علی به روز غدیر
بیاویزد آن کس به غدر خدای که بگریزد از عهد روز غدیر
چه گویی به محشر اگر پرسدت از آن عهد محکم، شیر یا شبیر

آگاه تو نبئی که پیمبر که را سپرد روز غدیر خم، به منبر، ولایتش

با خرد باش یکدل و همسر چون نبی با علی به روز غدیر

آن که معروف به او شد به جهان روز غدیر
وز خداوند ظفر خواست پیمبر به دعاش
هر خردمند بداند که بدین وصف علی است
چو رسید این همه اوصاف به گوش شنوаш

ندانم جز این عیب مر خویشان را که بر عهد معروف روز غدیرم

تن گور توست، خشم مگیر از حدیث من
یرا که خشم گیر نباشد سخن پذیر
بهتر رهی بگیری که دو راه پیش توست
سوی بینه راه طلب کن یکی خفیر
بنگر که خلق را به که داد و چگونه گفت
روزی که خطبه کرد نبی بر سر غدیر
دست علی گرفت و بدو داد جای خویش
گر دست او گرفت، از دست او مگیر

شرف مرد به هنگام پدید آید از او
چون پدید آمد تشریف علی روز غدیر
بر سر خلق مر او را چو وصی کرد نبی
این، به اندوه در افتاد از او، آن به زحیر
حسد آمد همگان را ز چنان کار از او
برمیدند و رمیده شود از شیر، حمیر
او سزاید که وصی بود نبی را در خلق
که برادرش بد و بن عم و داماد و وزیر
ای که بر خیره همی دعوی بیهوده کنی
که فلان بودت از یاران، دیرینه و پیر
شرف مرد به علم است، شرف نیست به سال
چه در آبی سخن یافه همی خیره بخیر؟
یافت احمد(ص) به چهل سال مکانی که نیافت
به نود سال ابراهیم(ع)، از آن عشر عشیر
علی آن یافت ز تشریف که در روز غدیر
شد چو خورشید درخشنده در آفاق، شهیر

محمد حسن افضل المتکلمین مولانا کاشی

مقصد تنزیل «بلغ» مرکز اسرار غیب
مقطع «یتلوه شاهد» مطلع «حبل المتین»

ای گزیده مر خدایت یا امیرالمؤمنین
خوانده نفس مصطفایت یا امیرالمؤمنین

ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی

نایب مصطفی به روز غدیر کرده در شرع مر، ورا، به امیر
بهر او گفته مصطفی به الاه کای خداوند «وال من والاه»

مر نبی را وصی و هم داماد جان پیغمبر از جمالش شاد
نایب مصطفی به روز غدیر کرده در شرع، مر او را به امیر
خوانده در دل و ملک، مختارش هم در علم و هم علمدارش

نامش از نام یار مشتق بود
هر کجا رفت همراهش حق بود
آل یاسین شرف به او دیده
ایزد او را به علم بگریزیده
نایب مصطفی به روز غدیر
کرده در شرع مر، ورا، به امیر
بهر او گفته مصطفی به الاه
کای خداوند «وال من والاه»
هر که تن دشمن است و یزدان دوست
داند «الراسخون فی العلم» اوست
دل او عالم معانی بود
لفظ او آب زندگانی بود
تنگ از آن شد بر او جهتان سترگ
که جهان تنگ بود و مرد، بزرگ

میرشمس الدین فقیر دهلوی

آن وارث ملک لایزالی شاهنشاه دین، علی عالی
آن مجمل شرع از او مفصل و آن دین خدا به او مکمل

صائب تبریزی

منت خدای را که به توفیق کردگار از ناف کعبه، چشمه‌ی زمزم شد آشکار

زین پیش اگر چه اهل نجف ز آب تلخ و شور
بودند در شکنجه غم، تلخ روزگار
آخر ز فیض ساقی کوثر، تمام شد
عید غدیر شد به مقیمان این دیار

چون لباس کعبه بر اندام بت، زینده نیست
جز تو بر شخص دگر، نام امیرالمؤمنین

آخر ز فیض ساقی کوثر، تمام شد عید غدیر شد به مقیمان این دیار

چون لباس کعبه بر اندام بت، زینده نیست
جز تو بر شخص دگر نام امیرالمؤمنین

وصال شیرازی

آن که حاصل گشت از وی ایزد را کمال
چون به نص مصطفی مخصوص شد روز غدیر

مشفق کاشانی

بعد من، او رهبر و رهنماست سرور مردان خدا، مرتضی است

حکم یکی از درویش گنابادی بیدخت اجرا شد؛ ۵۰ ضربه شلاق و ۵ ماه حبس و یک سال تبعید

احسان الله امانیان از درویش طریقت نعمت الهی گنابادی روز شنبه ۱۵ مهرماه ۱۳۹۱ از سوی اجرای احکام دادسرای شهرستان گناباد برای اجرای حکم شلاق فراخوانده شد.

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ این درویش گنابادی از سوی شعبه اول اجرای احکام دادسرای گناباد برای اجرای حکم ۵۰ ضربه شلاق تعزیری و ۵ ماه حبس و یک سال تبعید احضار و پس از اجرای حکم ۵۰ ضربه شلاق برای گذراندن ۵ ماه حبس روانه زندان شد.

بنابراین گزارش؛ در تیر ماه ۱۳۸۸، جمعی از درویش گنابادی در اعتراض به رفتار غیرقانونی دادستان گناباد مقابل دادگستری آن شهرستان تجمع کرده بودند که در این واقعه، ۲۴ تن از درویش بازداشت و به محاکمه کشیده شدند. دادگاه گناباد ۱۴ نفر از این ۲۴ درویش را به سه ماه و یک روز حبس تعلیقی (به مدت سه سال) و ۲۵ ضربه شلاق تعزیری و ۱۰ نفر دیگر را به ۵ ماه حبس تعزیری به انضمام ۵۰ ضربه شلاق و یک سال تبعید به مناطق محروم محکوم کرد که این حکم از سوی شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی نیز مورد تأیید قرار گرفت. گفتنی است در ۲۴ فروردین ماه ۱۳۹۰، مأموران اطلاعات به طور همزمان نظرعلی مروی، محمد مروی و علی کاشانی فر را در شهرستان گناباد، ظفرعلی مقیمی را در شهرستان فوجان و عبدالرضا کاشانی، علیرضا عباسی، شکرالله حسینی را در شهرستان بیدخت دستگیر و روانه زندان وکیل آباد مشهد کردند و در ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ نیز محمد کاشانی فر در دفتر کارش دستگیر و روانه زندان شد.

حکم یک سال حبس علیرضا روشن از درویش گنابادی تأیید شد



به گزارش خبرنگار مجذوبان نور؛ حکم آقای علیرضا روشن که در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب با قضاوت قاضی پیرعباسی به اتهام اجتماع و تبانی به قصد بر هم زدن امنیت ملی (ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی) به یک سال حبس تعزیری و چهار سال حبس تعلیقی محکوم شد بود، در پی درخواست تجدید نظر در شعبه ۵۴ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی موحدی بدون هیچ تغییری تأیید شد.

آقای علیرضا روشن در شهریور ماه سال ۹۰ در جریان حمله به دفتر سایت مجذوبان نور «پایگاه خبری درویش» دستگیر و پس از گذراندن بیش از ۱ ماه حبس در بند امنیتی ۲۰۹ زندان اوین با قرار کفالت آزاد شد.

آقای روشن که بصورت تلفنی به حوزه اجرای احکام دادگاه انقلاب احضار شده بود، به دلیل عدم وجاهت قانونی احضار تلفنی به این محل مراجعه نکرده و در پی تذکر این موضوع، به وکیل وی گفته شده است که در این صورت به زودی حکم جلب این درویش گنابادی را صادر خواهیم کرد.

وضعیت درمانی مصطفی دانشجو در گفت و گو با وکیل وی



مصطفی دانشجو که هفته گذشته به دلیل تشدید بیماری تنفسی به صورت اورژانسی از زندان اوین به بیمارستان امام خمینی منتقل شد و در بخش ریه این مرکز درمانی بستری شد، کماکان تحت معالجه پزشکان قرار دارد. وقتی آخرین وضعیت جسمی و درمانی آقای دانشجو را از وکیل وی، آقای سید یاسر املشی، جويا شدیم به خبرنگار ما این طور پاسخ داد:

«آقای دانشجو از بیماری آسم شدید رنج می برد و از ابتدای امسال تا کنون این سومین بار است که وی به دلیل تشدید بیماری تنفسی به بیمارستان اعزام و تحت معاینات پزشکی قرار می گیرد. در حال حاضر نیز تیم پزشکی اقدامات درمانی بر روی دستگاه تنفسی آقای دانشجو را آغاز کرده و تاکنون تست های مختلف بررسی عملکرد ریه های ایشان انجام شده است.»

این وکیل دادگستری در ادامه افزود:

«متأسفانه طی چند روز گذشته علیرغم فقدان سابقه قلبی، آقای دانشجو دچار طپش و آریتمی شدید قلبی شده که موضوع به پزشکان متخصص قلب ارجاع و اقدامات درمانی بر روی قلب ایشان نیز از روز گذشته آغاز شده که نتیجه دقیق آن طی روزهای آینده مشخص خواهد شد.»

همین طور آقای یاسر املشی در جواب به پرسش خبرنگار مجذوبان نور در مورد وضعیت جسمی آقای حمیدرضا مرادی سروستانی که در زندان اوین به سر می برد، گفت: «وضعیت جسمی آقای حمیدرضا مرادی نیز نگران کننده است، ایشان سابقه بیماری قلبی داشته و دچار گرفتگی رگ ناحیه پا شده، آنژیوگرافی که در اردیبهشت ماه امسال در بیمارستان طالقانی انجام داد، میزان این گرفتگی را ۷۰ درصد نشان داد، هم اکنون نیز راه رفتن برای او به شدت مشکل شده و از عصا استفاده می کند. او در چند ماه گذشته چندین بار به بیمارستان منتقل شد، اما تحت معاینه درمانی قرار نگرفت و به زندان برگردانده شد، خانواده وی کماکان پیگیر فراهم کردن امکانات درمانی وی هستند.»

تخلفات انجام شده در مورد پرونده یک درویش گنابادی؛ از بازداشت تا دادگاه



چندی پیش دادگاه یکی از درویش طریقت نعمت الهی گنابادی، آقای کسری نوری به اتهامات عضویت در گروهک انحرافی مجذوبان نور، مصاحبه با رسانه‌های بیگانه، توهین به رهبری، اقدام علیه نظام و افشای اسناد محرمانه نظام در شعبه ۳ دادگاه انقلاب شیراز برگزار شد. گذشته از بررسی و تحلیل عنوان این اتهامات و چرایی و مصادیق انتصاب آن که خود خالی از شبهه نیست، صرفاً در روند دادرسی و پیگیری پرونده نیز شاهد تخلفات و تناقضاتی با قوانین موجود بوده‌ایم، تخلفاتی که از بازداشت تا جلسه دادگاه ادامه داشته، که فهرستی از این تخلفات به شرح زیر است:

(۱) ورود غیرقانونی به منازل برخی افراد در شب برای دستگیری و نقض موازین شرعی و تخریب اموال اشخاص ثالث که ارتباطی به پرونده نداشته‌اند (نقض ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی کیفری)
(۲) توقیف غیرقانونی اموال و مدارک شخصی و عدم تنظیم صورت جلسه و عدم استرداد آنها (نقض مواد ۹۶، ۱۰۳ و ۱۱۱ قانون آئین دادرسی کیفری)
(۳) برخورد نامناسب مأمورین زندان همراه با توهین و برخورد فیزیکی با این درویش (نقض ماده ۱۶۹ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها)

(۴) تمدید غیرقانونی قرار بازداشت موقت و عدم تعیین تکلیف در خصوص این قرار با گذشت ۸ ماه (نقض در بند «ط» از ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب)

(۵) اعزام این درویش در شرایط به شدت امنیتی همراه با استفاده از دسبند و پابند (نقض تبصره ۱ ماده ۲۳۵ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها)

(۶) ممانعت از حضور و گفت و گوی و کیل با موکل در طول دادرسی!

(۷) ممانعت از حضور خانواده و درویش در جلسه دادگاه (نقض اصل ۱۶۵ قانون اساسی مبنی بر برگزاری علنی دادگاه‌های رسیدگی به جرایم سیاسی) لازم به ذکر است طی سالیان گذشته که فشار بر درویش سلسله نعمت الهی گنابادی توسط نهادهای امنیتی و اطلاعاتی افزایش یافته است. در پی این فشارها برخوردهایی در شهرهای مختلف ایران با درویش گنابادی صورت گرفته که در اکثر آنها تخلفاتی مشابه برخوردهای غیرقانونی که در بالا لیست شده‌اند به چشم می‌خورد و حتی زمانی که وکلای درویش گنابادی بر علیه دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی در مورد تخلفات صورت گرفته اعادی دادرسی کردند با فشار دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی با وکلای درویش نیز برخوردهای خصمانه‌ای صورت گرفته تا جایی که پروانه وکالت چندتن از وکلای درویش تعلیق و باطل شده است.

افتتاح خبرنامه پیامکی سایت مجذوبان نور؛ دریافت اخبار از طریق پیامک



ارسال آخرین اخبار و مطالب مهم سایت بوسیله SMS

سایت مجذوبان نور به منظور ارتقا و تسهیل در انتشار اخبار درویش، اقدام به راه اندازی سامانه ارسال پیامک کرده است. از این پس با عضویت در این سامانه که به صورت رایگان در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد، قادر خواهید بود اخبار مهم مربوط به درویش را بلافاصله از طریق پیامک در تلفن همراه خود دریافت کنید، جهت ثبت نام در این سامانه به سایت مجذوبان نور مراجعه کنید.

انتقال ۲ تن از درویش گنابادی زندانی در زندان عادل آباد به بند سبز

به گزارش خبرنگار مجذوبان نور، پس از پیگیری‌های مکرر خانواده و وکلای این درویش زندانی در مورد وضعیت نگهداری این درویش که در بندهای جرایم سنگین همچون قتل و قاچاق مواد مخدر محبوس بودند که وضعیت این بندها از شرایط بهداشتی و رفاهی به شدت ضعیف هستند و با بدست آوردن موافقت مسئولین زندان عادل آباد شیراز بالاخره به بند سبز این زندان منتقل شدند.

این در حالیکه قرار بود در ابتدای مهر ماه این درویش گنابادی به بند سبز منتقل شوند و پس از اینکه رئیس حراست زندان از انتقال آقای کسری نوری به بند سبز ممانعت می‌کنند، که علت این ممانعت اعمال نفوذ روحانی بند بوده است که چندی پیش نیز آقای کسری نوری را به دلیل نماز خواندن به صورت فرادا مورد توهین و برخورد فیزیکی قرار داده و وی را برای مدتی از ملاقات نیز محروم می‌کند و حال، این روحانی مجدداً با شرور خواندن این زندانی عقیدتی از انتقال وی به بند سبز نیز جلوگیری کرده بود.

همچنین آقای صالح مرادی نیز که در ابتدای مهرماه به بند سبز منتقل شده بود پس از ایجاد محدودیت‌هایی که به ظاهر و رفتار این درویش تحمیل شده بود و آقای مرادی حاضر به قبول این محدودیت‌ها نشده و به بند پاک که اوضاع نامساعدی دارد منتقل شدند که پس از پیگیری‌ها برای رفع این محدودیت‌ها آقای مرادی با قبول انتقال به بند سبز به همراه آقای نوری در ابتدای هفته ی گذشته به بند سبز منتقل شدند.

محکومیت کسری نوری به یکسال حبس



کسری نوری یکی از درویش گنابادی به یک سال حبس تعلیقی محکوم شد. به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور، کسری نوری در جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده اتهامی تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب در شعبه ۱۰۶ دادگاه جزایی اطلسی شیراز به ریاست قاضی عاشوری به یک سال حبس تعلیقی محکوم شد. وکیل این درویش و زندانی عقیدتی، آقای فریبرز یداللهی اعتراض خود را به این حکم با تقدیم لایحه تجدیدنظر خواهی اعلام و هم اکنون پرونده به شعبه تجدید نظر ارسال شده است. لازم به ذکر است که برای این درویش پرونده دیگری نیز در شعبه ۳ دادگاه انقلاب شیراز مفتوح می باشد که عضویت در گروهک انحرافی مجذوبان، مصاحبه با رسانه های بیگانه، توهین به رهبری، اقدام علیه نظام و افشای اسرار ملی از عناوین اتهامی این پرونده می باشد. رسیدگی به بخشی از اتهامات پرونده این درویش گنابادی در تاریخ سه مهر در شعبه سوم دادگاه انقلاب به قضاوت قاضی رشیدی و وکالت آقای فریبرز یداللهی انجام شد که به علت طولانی شدن روند دادرسی ادامه رسیدگی به پرونده وی به تاریخ ۱۸ آبان ماه موکول گردید.

کسری نوری تا کنون دو بار توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است. این درویش گنابادی یکبار در تاریخ ۲۱ دی ماه سال گذشته به اتهام اقدام علیه نظام و عضویت در گروهک انحرافی بازداشت و پس از ۴۶ روز حبس در اداره اطلاعات شیراز و زندان عادل آباد شیراز با وثیقه ۵۰ میلیونی آزاد شد و سپس مجدداً در تاریخ ۲۴ اسفند ماه سال گذشته به اتهام فعالیت تبلیغاتی علیه نظام به نفع بیگانگان و ارتباط و مصاحبه با رسانه های بیگانه بازداشت شد.

دادگاه وکلای درویش و مدیران سایت مجذوبان نور در آبان ماه برگزار خواهد شد



دادگاه وکلای درویش و مدیران سایت مجذوبان نور در سه روز متوالی در تاریخ ۲۱، ۲۲ و ۲۳ آبان ماه در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی برگزار خواهد شد.

به گزارش خبرنگار مجذوبان نور، جلسه رسیدگی به پرونده آقایان: حمید رضا مرادی سروستانی، مصطفی دانشجو، فرشید یداللهی، امیر اسلامی، افشین کرم پور، امید بهروزی و رضا انتصاری پس از ۱۴ ماه بازداشت، در سه روز متوالی در تاریخ ۲۱، ۲۲ و ۲۳ آبان در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی برگزار خواهد شد. توهین به رهبری، تشویش اذهان عمومی، اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، نشر اکاذیب و عضویت در گروهک انحرافی از عناوین اتهامی منتسب به این هفت تن است که در این جلسه رسیدگی خواهد شد.

پیش از این نیز جلسه دادگاهی مورخ ۲۶ اردیبهشت سال جاری برای رسیدگی به اتهامات وکلای درویش و مدیران سایت مجذوبان نور تعیین شده بود، اما به علت عدم ارائه پرونده های اتهامی توسط قاضی پرونده به وکلای مدافع جهت مطالعه و تدارک دفاع، این افراد شرایط دادرسی را غیر عادلانه خوانده و از شرکت در دادگاه خودداری کردند.

یادآور می شود آقایان امیر اسلامی، امید بهروزی، فرشید یداللهی، حمید مرادی، افشین کرم پور و رضا انتصاری وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور در ۱۳ شهریور ماه سال گذشته در ادامه حوادث کوار بازداشت شدند و آقای مصطفی دانشجو نیز با وجود اینکه در آن زمان در زندان ساری محبوس بود پس از پایان مدت محکومیت، در آبان ماه سال گذشته به زندان اوین منتقل شد و به همین موارد اتهامی پرونده ای برای وی تشکیل شد.

پرونده درویش به دادگاه می‌رود؛ حاکمیت جلوی رسانه‌ای شدن را می‌گیرد

را بدانند. چرا که در قانون اساسی درویشی و اعتقاد به طریقت‌های عرفانی جرم نیست. دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی با اینگونه اتهامات سعی در فشار به درویش و تشویش اذهان دوستداران عرفان و تصوف دارند.

مدیر سایت مجذوبان نور توضیح می‌دهد: در ساختار حکومتی نیز عده‌ای مخالف برخورد با درویش هستند زیرا آنان به خوبی درک کرده‌اند که درویش، فرقه یا دسته و گروهی نیستند که علاقه‌ای به فعالیت سیاسی با نام درویشی داشته باشند. شاید افرادی از درویش باشند که برای خودشان خط فکری و وابستگی‌های سیاسی داشته و فعالیت‌های سیاسی بکنند ولی اصل عقیده درویشی به عنوان یک طریقت عرفانی است و قطعاً وزارت اطلاعات ذی صلاح برای منحرف خواندن عقیده درویشی نیست. اما به نظر می‌رسد افرادی در حکومت اسلامی اعتقاد درویشی را خطری برای خود و منافشان قلمداد می‌کنند و به درویش به چشم یک جمع سیستماتیک سیاسی نگاه می‌کنند و به همین دلیل تلاششان را برای ضربه زدن به این عقیده از هر اتهام و حربه‌ای دریغ نمی‌کنند.

نوری همچنین در تشریح وضعیت حقوقی فعلی پرونده این درویش زندانی می‌گوید که تاکنون هیچ کدام موفق به ملاقات با وکیل خود نشده‌اند و ۱۲ وکیل درویش و غیر درویش وکالت این هفت تن را به عهده

گرفتند اما از میان این ۱۲ نفر تنها دو نفر موفق به مطالعه پرونده آنها شده و قاضی پرونده آقای صلواتی از در اختیار قرار دادن پرونده به سایرین خودداری کرده است. در حالی که کمتر از سه هفته به تاریخ دادگاه مانده است. طبیعی است که با این وضعیت امکان تدارک دفاع و دادرسی عادلانه فراهم نیست. به غیر از این هفت نفر که در بند ۳۵۰ زندان اوین محبوسند، جمع دیگری از درویش نیز در این سالها بازداشت و محاکمه شده‌اند که فرهاد نوری وضعیت آنها را اینگونه توضیح می‌دهد: سه تن از درویش به نام صالح مرادی، کسری نوری و محمدعلی شمشی‌رز در زندان عادل آباد شیراز بسر می‌برند. اتهام این سه درویش نیز مانند سایر درویش اقدام علیه امنیت ملی و تشویش اذهان عمومی و عضویت در گروهک انحرافی بیان شده است که در این بین آقای صالح مرادی بیش از یک سال و آقای کسری نوری بیش از هشت ماه و آقای شمشی‌رز نزدیک به ۶ ماه است که در زندان عادل آباد شیراز در حبس هستند. یکی دیگر از درویش گنابادی آقای احسان الله امانیان نیز پس از اجرای حکم ۵۰ ضربه شلاق، جهت گذراندن دوره ۵ پنج ماهه محکومیتشان به اتهام تشویش اذهان عمومی و برهم زدن امنیت ملی به زندان وکیل آباد مشهد منتقل شدند و پس از پایان دوره ۵ ماهه نیز باید مدت یک سال را در تبعید بگذرانند.

مدیر سایت مجذوبان نور ادامه می‌دهد: عده‌ای نیز پرونده‌های مفتوح در دادگاه انقلاب تهران دارند و منتظر تعیین تاریخ دادگاه یا ابلاغ حکم هستند. به عنوان مثال اخیراً آقای علیرضا روشن و نصرت طبسی به پنج سال حبس به ترتیب به (یک سال تعزیری و چهار سال تعلیقی) و (۶ ماه تعزیری و چهار و نیم سال تعلیقی) محکوم شدند.

نوری در پایان اظهار امیدواری کرد که درویش زندانی بتوانند دست کم از حقوق زندانی و ملاقات وکیل و دسترسی به پرونده بهره‌مند باشند تا امکان دفاع در دادگاه برایشان فراهم شود.

دادگاه هفت نفر از وکلای درویش و مدیران سایت مجذوبان نور قرار است اواخر آبان ماه در سه روز متوالی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران و به ریاست قاضی صلواتی برگزار شود. طبق اخبار منتشر شده، توهین به رهبری، تشویش اذهان عمومی، اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، نشر اکاذیب و عضویت در گروهک انحرافی از عناوین اتهامی منتسب به این هفت تن است.

به اعتقاد فرهاد نوری، مدیر کنونی سایت «مجدوبان نور»، مشکل اصلی حاکمیت با این افراد را تلاش برای نشان دادن و رسانه‌ای شدن نقض حقوق درویش می‌داند و به جرس می‌گوید: تمامی این اتهامات به علت انتشار و رسانه‌ای شدن نقض حقوق درویش و تذکر رعایت قانون به مسئولان است. شاخه گنابادی از سلسله نعمت‌اللهی که چند سال است تحت فشار بسیاری

قرار دارد، به اهل شریعت نزدیک است و حتی پیروان این شاخه، مکان‌های تجمع خود را به جای خانقاه، «حسینیه» می‌نامند. با این حال برخوردهای حاکمیت با پیروان این سلسله ادامه دارد.

مدیر سایت مجذوبان نور با بیان این نکته که دلیل بازداشت این افراد فعالیت حقوقی و رسانه‌ای در مورد نقض حقوق درویش است، می‌گوید: پنج تن از این افراد حقوق دان و از وکلای دادگستری هستند که آقایان فرشید یداللهی و امیر اسلامی جز کانون وکلای استان فارس و از اعضای کانون

مدافعان حقوق بشر هستند و آقایان امید بهروزی و مصطفی دانشجو نیز از وکلای دادگستری بودند که قبلاً به علت دفاع و پیگیری پرونده‌های درویش گنابادی در دادگاه‌های مختلف با فشار نیروهای امنیتی پرونده وکالتشان باطل شد. آقای رضا انتصاری نیز از خبرنگاران صدا و سیما هستند که به علت درویشی و فعالیت در این حوزه از کار برکنار شدند، و آقای حمید مرادی نیز از مدیران سایت مجذوبان نور پایگاه خبری، حقوقی درویش و فعال حقوق درویش هستند.

او اتهاماتی از قبیل توهین به رهبری و تشویش اذهان عمومی را فاقد مصداق مشخص در پرونده می‌داند و تأکید می‌کند: سالهاست درویش گنابادی در حالی مورد حمله و هجمه نیروی‌های امنیتی قرار می‌گرفتند که از تخریب حسینیه‌ها و ضرب شتم درویش و تا اخراج از مشاغل و سلب امتیازات، که حتی توسط رسانه‌های ملی کشور نیز بایکوت خبری بودند و صدای آن شنیده نمی‌شد. به همین دلیل گروهی از وکلا و فعالان حقوقی اقدام به راه اندازی سایت مجذوبان نور برای تذکر و اطلاع رسانی مواد نقض حقوق جمعیت درویش کرده و طی نامه‌های بسیاری به مسئول کشور اعم از رهبری، رئیس قوه قضایی و مراجع و ... رعایت نشدن قانون اساسی را یاد آور می‌شدند.

نوری که خود از پیروان سلسله گنابادی است، ادامه می‌دهد: در واقع به صورت خیلی ساده می‌توان گفت جرم تمامی این افراد راه اندازی سایتی بوده که تنها هدفش اطلاع رسانی و دفاع از درویش در ایران بوده است که به اتهاماتی مثل توهین به رهبری، تشویش اذهان عمومی به آنها منتسب شده است. جالب است که بدانید حتی پرونده این افراد که در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران مفتوح است نیز با نام «پرونده سایت مجذوبان نور» معرف شده است. پس تمامی این اتهامات به علت انتشار و رسانه‌ای شدن نقض حقوق درویش و تذکر رعایت قانون به مسئولان است.

از نکات سوال برانگیز دیگر در عناوین اتهامی این درویش «عضویت در گروهک انحرافی» است که نوری در توضیح دلیل به کار بردن این واژه در اتهامات می‌گوید: اتهام عضویت در فرقه انحرافی به کرات در گزارش‌های پرونده این افراد وجود دارد، درویش نعمت‌اللهی گنابادی شیعه اثنی عشری هستند و مقید به تمامی آداب شریعت مطهر اسلام، اما اینکه چرا کل افراد سلسله منحرف خوانده شده‌اند سوالی که همه درویش می‌خواهند پاسخ آن



رضا انتصاری از زندان اوین به بیمارستان اعزام شد

انتقال و بستری حمید مرادی از درویش زندانی در بیمارستان

رضا انتصاری

درویش گنابادی
خبرنگار، تصویربردار
پرسنل و همکار سایت مجذوبان نور



حمید مرادی

درویش گنابادی
مدیر سایت مجذوبان نور



به گزارش خبرنگار مجذوبان نور، اعزام رضا انتصاری که بیش از ۱۴ ماه را در سلول انفرادی و بندهای امنیتی زندان اوین گذرانده به علت درمان آسیب دیدگی انگشت دست وی انجام شد.

رضا انتصاری که خبرنگار و از همکاران سایت مجذوبان نور می باشد، در تاریخ ۱۳ شهریور سال ۹۰ در اثر هجوم نیروهای اطلاعات و لباس شخصی به دفتر سایت مجذوبان نور بازداشت شد که در جریان این هجوم، از ناحیه دست دچار آسیب جدی شد و انگشت وی با اینکه یک بار در بیمارستان بقیه الله مورد عمل جراحی قرار گرفت اما به علت عدم همکاری مسئولین زندان، فیزیوتراپی‌های تجویز شده صورت نگرفت و هم اکنون انگشت وی از ناحیه مفصل خم نمی‌شود و به تایید پزشک بهداری زندان نیاز به عمل جراحی مجدد دارد.

خانواده این درویش وزارت اطلاعات و نیروهای امنیتی را مسئول این آسیب و نقض عضو دانسته و خواهان پیگیری این قضیه هستند.

به گزارش خبرنگار مجذوبان نور، آقای حمید مرادی که بیش از یک سال است در زندان اوین تهران محبوس و از ناراحتی قلبی و گرفتگی مفرط عروق رنج می‌برند، صبح روز ۴ آبان ماه به بیمارستان منتقل و بستری شدند.

این درویش گنابادی از گرفتگی بالای ۷۰ درصد عروق پا رنج می‌برد و شدت گرفتگی عروق پای ایشان حتی راه رفتن را نیز برای وی دشوار و این درویش گنابادی را نیازمند استفاده از عصا کرده است. گرفتگی رگ پای ایشان با گذشت زمان باعث گرفتگی مفرط شریان‌های پای این زندانی عقیدتی شده و دچار خون لختگی شدید و در نتیجه دچار سیاهی ناخن‌های پای وی شده و به گفته‌ی دکتر معالج آقای مرادی هرچه سریعتر ایشان باید در بیمارستان بستری شوند که پس از پیگیری‌های لازم ایشان برای انجام معالجات مورد نیاز به بیمارستان منتقل و بستری شدند.

عدم شرکت درویش گنابادی شیراز در دادگاه



فرزانه نوری



بهزاد نوری



صالح مرادی



فرزاد درویش

چهار تن از درویش گنابادی ساکن شیراز که جهت رسیدگی به اتهاماتشان به شعبه ۱۱۰ دادرسی عمومی و جزایی شیراز موسوم به دادرسی اطلسی احضار شده بودند از شرکت در این دادگاه امتناع کردند. به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ خانم فرزانه نوری و آقایان صالح مرادی، بهزاد نوری و فرزاد درویش که جهت حضور در جلسه رسیدگی به اتهام «نشر اکاذیب» به دادگاه احضار شده بودند از شرکت در جلسه دادرسی امتناع کردند.

دلیل عدم شرکت این درویش گنابادی در جلسه دادرسی که قرار بوده صبح امروز سه شنبه ۹ آبان ماه در شعبه ۱۱۰ دادرسی عمومی و جزایی شیراز برگزار شود، احضار این درویش گنابادی بصورت تلفنی (که هیچگونه وجهت قانونی ندارد) و عدم ابلاغ احضاریه به وکلای مدافع این درویش بوده است.

لازم به ذکر است که آقای صالح مرادی که بیش از ۱۴ ماه است در زندان عادل آباد شیراز نگهداری می‌شوند، صبح امروز برای حضور در این دادگاه از زندان عادل آباد به شعبه ۱۱۰ اطلسی شیراز منتقل شد که این درویش گنابادی نیز خطاب به قاضی دادگاه اعلام کرده است: «به دلیل عدم ابلاغ احضاریه به من و وکیلیم و جلوگیری از ملاقات با وکیلیم هیچ دفاعی از خودم ندارم.» که قاضی پرونده نیز با تایید موضوع غیر قانونی بودن احضار بصورت تلفنی اعلام کرده است که جلسه دادگاه تجدید خواهد شد.

در پرونده این افراد اتهامات دیگری نیز نظیر عضویت در گروهک انحرافی، اخلال در نظم عمومی، بر هم زدن امنیت و تشویش اذهان و حتی اتهام مادر متهم فراری (!) برای خانم فرزانه نوری «مادر فرهاد نوری مدیر سایت مجذوبان نور» وجود دارد، که قرار است این اتهام‌ها در یکی از شعب دادگاه انقلاب شیراز رسیدگی شود.

کمپین اعتراضی به زندانی شدن فعالان حقوق بشر، درویش و مدیران سایت مجذوبان نور



هو

۱۲۱

بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

هم وطنان آزادی دوست؛

پیروان طریقت و عرفان؛

اینک یک سال از زندانی شدن بدون محاکمه و کلا و فعالان حقوق درویش در بندهای امنیتی زندان های کشور می گذرد. زمانی که جمعیت درویش با مهر بایکوت، گویی که صفحه اجتماع پاک شده و نیست تلقی می شدند و صدای ظلم های رفته بر آن ها شنیده نمی شد عده ای بی هیچ مزد و دسترنجی به خبر رسانی و انعکاس صدای مظلومان پرداخته و در ستاندن داد آنان کوشیدند، در دادگاه ها از حق دفاع کرده و در رسانه ها لزوم اجرای قانون را تذکر دادند، ولی امروز به همین جرم گرفتار سیستم قضایی و اطلاعاتی ناعادلانه کشور شدند.

«هل جزاء الإحسان إلا الإحسان؟»

« آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟»

ما درویش گنابادی و هم وطنان این عزیزان با یاد آوری اینکه همگی اعضای پیکره ی انسانیت بوده و با احساس رنج و درد این ظلم که همه ی ما را بی قرار کرده است، اعتراض خود را به انتساب اتهامات واهی و زندانی کردن ناعادلانه کلیه و کلا و فعالان رسانه و حقوق بشر و اسیران فکر و عقیده بیان کرده و با امضای این کمپین حمایت خود را از افراد زیر اعلام می داریم و خواهان آزادی هر چه سریعتر این انسان های شریف هستیم :

۱. حمیدرضا مرادی سروستانی ۲. مصطفی دانشجو ۳. فرشید یداللهی ۴. امیر اسلامی ۵. عبدالفتاح سلطانی ۶. محمد سیف زاده ۷. محمدعلی دادخواه
۸. نسرین ستوده ۹. امید بهروزی ۱۰. افشین کرم پور ۱۱. رضا انتصاری ۱۲. صالح مردای سروستانی ۱۳. کسری نوری

برای امضا این کمپین به سایت مجذوبان نور مراجعه کنید.